



گفتاری در منزلت علمی و اجتماعی و خدمات استاد فقید
 آیه‌الله‌مجدالدین محلاتی - بخش پایانی نوشته : دکتر سید محمد تقی
 روشنفکر اصلاح‌گر

ظهور روشنفکران را محصول پیدایش فلسفه‌های مبتنی بر "شک و نقد" نسبت به عقاید سنتی، می‌دانند. از این جهت، این پدیده اجتماعی را بیشتر در تاریخ اروپا جستجو می‌کنند که در عصر رنسانس، راسیونالیسم، شیوع پیدا کرد و ضمن انتقاد از جامعه سنتی (قرون میانی) پدیداری عصر نوین با نوعی مدرنیسم و علمگرایی، آن هم از قماش پوزیتیویسم را نوید داده است و لذا روابط چنین روشنفکری همواره با دین و مذهب منفی بوده و اساساً این پرسش مطرح بوده است که: "آیا یک دیندار می‌تواند روشنفکر باشد؟!؟" (۲)

ولی واقعیت این است که نه روشنفکری منحصر به یک جامعه خاص، آن هم اروپا است و نه روشنفکران همگی با دین، سر‌ناسازگاری دارند بلکه:

"روشنفکری در تمامی تمدنهای بشری، وجود داشته است و قائل شدن به این امر که روشنگری پدیده‌ای غربی است، از نظرگاه تاریخی درست نیست، ما، باید به دنبال مفهوم عامتری از روشنفکری باشیم تا بتوانیم آن را به تمامی قرون و اعصار تسری بخشیم. فرض کنید که ویژگی‌های اولیه روشنگری را در ملاصدرا هم می‌توان پیدا کرد." (۳)

و چون این خصلت بوم‌گرایی، در اکثر روشنفکران "منورالفکرهای" زمان مشروطه مفقود بوده است، لذا آنها تنها خواسته‌اند با آوردن و انتقال مقدراتی اصطلاحی مدرنیته جامعه خود را تغییر دهند، اما نتوانسته‌اند چنین دگرگونی را ایجاد نمایند زیرا، در شناخت تاروپود جامعه خود و ارکان آن دچار حیرت بودند و تطبیق آن مفاهیم (وارداتی) با اقدار اجتماعی آنروز ایران و عنصر بوم‌شناسی عاجز بودند و به تعبیر جلال آل‌احمد:

"نهیضت مشروطیت دقیقاً به دست کسانی (فنودل- مالک) پیدا شد که خود بر جنگ آن، رفته بود" (۴)

لذا به نظر ما، قشر روشنفکر آن قشر اجتماعی را می‌گویند که:

"او بتواند با نقد و بررسی خود، مناسبات تاریخی و اجتماعی را کاملاً درک کند و مشکلات جامعه را با در نظرگیری آن مناسبات، حل نماید" (۵)

و قطعاً این تعریف نه تنها با دینداری منافات ندارد، بلکه در متن خود دین، همین تغییر جامعه و حل مشکلات اجتماعی خود، یکی از وظایف انسان دیندار و رسالت عالمان دینی می‌باشد.

به همین دلیل به بیان آل‌احمد:

"در دوره‌های مختلف جریان روشنفکری ایران، گاهی قشر روشنفکران با عالمان دینی ارتباط برقرار می‌کردند و گاهی بر سر مسائل فکری اختلاف نظر داشتند. هرچا، این دو قشر با یکدیگر هم دوش بودند، حادثه مهمی اتفاق می‌افتاد: از جمله نهیضت مشروطه، نهیضت ملی شدن صنعت نفت و هرچا، این دو قشر با یکدیگر در تعارض بودند، مشکلات و مسائل جامعه ایران دو چندان می‌شد. در مواردی هم روشنفکران به منظور پیشبرد اهداف خود، در صدد جلب نظر علمای دینی نیز برآمدند و جوهر آرمانهای خود را اسلامی خواندند" (۶)

عالمان روشنفکر
 ولی قطعاً وجود عالمان دو فرهنگی (حوزه و دانشگاهی) که تعداد قابل توجهی از این تیپ را در حوزه‌ها و دانشگاهها، سراغ داریم، امروزه طیف روشنفکران دینی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند پاسخگوی نیازهای زمان و تئوری پردازان جامعه نوین اسلامی باشند.

البته در اینجا منظور تنها آن دسته دانشمندان مسلمان نیستند که در کسوت ایوریحانها، خواجه نصیرها و ملاصدراها هستند، بلکه قطعاً دانشمندان زمان آگاه و اسلام شناسانی را شامل است که امروزه به‌نام "عالمان روشنگر" یا "روشنفکران مسلمان" نامیده می‌شوند و قطعاً این مفهوم نه در انحصار دانشگاهیان است و نه در انحصار حوزویان.

به تعبیر نویسنده آگاهی:

"غلبه تئوریک اندیشه فلسفی و اجتماعی غرب از یک طرف و

مهوریت فرهنگ و معارف سنتی و عمیق تمدن کهن اسلامی از طرف دیگر و لزوم عصری کردن و عصری دیدن معرفت دینی احتیاج مبرم به قشر نوینی دارد که هم ریشه در علوم و معارف و فرهنگ دینی و سنتی داشته باشند و هم سری و دستی در علوم انسانی تجربی، فلسفی جهان جدید. جای قشر معقول و عالمی که هم اهل سنت باشد و هم اهل تغییر، هم حافظ فرهنگ بومی و اندیشه‌های بلند دینی و اسلامی و هم اهل گزینش شیوه‌ها، متدها و معارف جدید مغرب‌زمین باشد، بسیار لازم و خالی است. (۷)

و اگر هم کاملاً خالی نباشد، تعداد انگشت شماری از این طیف عالمان وجود دارند که امام موسی‌صدر، آیه‌الله محلاتی، مرحوم دکتر بهشتی و... دیگر عالمان دانشگاهی از این ردیف‌اند.

آری، همکاری این دو قشر بود که حادثه بزرگ سوم اجتماعی "انقلاب اسلامی ایران" (معجزه قرن) را در تاریخ معاصر پدید آورد و به ثمر رساند. اما افسوس که این دو قشر به زودی از هم جدا شدند و باز هم بر سر مسائل فکر اختلاف کردند که قطعاً یکی از خسارتهای علمی-فکری اجتماعی جامعه ما است.

این بزرگان نه تنها تغییر جامعه خود، پرورش نسل مسلمان با فضیلت، حفظ استقلال و اصالت ارزشها و کیان ایران اسلامی را در نظر داشتند، بلکه می‌خواستند جامعه نوینی با الگوی جدیدی به دنیا نشان دهند و در زندگی مردم دنیا اثر بگذارند، چنانچه تاثیر گذارند اما افسوس... ویژگیهای انسانهای خدمتگزار

طبیعی است که انسانها از نظر خوی و منش متفاوت هستند. این تفاوتها گاهی وراثتی، ولی بیشتر به جهت تربیت و تاثیر عامل محیطی است که نوع خاصی از منش و روانشناسی را به بار می‌آورد. می‌توان عمده‌ترین ویژگی این طیف اجتماعی را در چند مورد زیر اشاره کرد:

۱- با همه طبقات جامعه برخورد دارند و نه با یک گروه خاص. ۲- از نوع روانشناسی قابل انعطاف، باسعه‌صدر و جذابیت برخوردارند.

۳- بیشتر با مردم بی‌رنگ همکاری می‌کنند.

۴- حس درد انسانی و غمخواری طبقات پایین را لمس می‌کنند.

۵- انسان دوستی در نتیجه محبت به انسانها (از هر گروه و مذهب که باشند) محور شخصیت و منش آنها را تشکیل می‌دهد. وجود چنین خصلتهایی را در کارگزاران موسسه‌های خیریه، درمانگاهها و دیگر خدمات اجتماعی، به وفور می‌توان ملاحظه کرد. طبیعی است علاوه از یک وظیفه و رسالت اجتماعی که چنین افرادی انجام می‌دهند قطعاً از یک لذت روحی و روانی نیز برخوردار می‌شوند. آری زدودن غبار غم از دل هر انسان دردمند، بهترین لذت روحی را به ارمغان می‌آورد.

به تعبیر امام علی(ع): "لکل کید حراء اجر" سیراب کردن بر جگر تشنه، پادشاه دارد دقیقاً انسان دوستی و تلاش در راه نجات آنها، از همین نقطه نشأت می‌گیرد و روحانی بودن و وارستگی، در زمینه چنین خصلتهای اجتماعی معنی می‌دهد. شخصیت چند بعدی آیه الله محلاتی

آیه الله حاج آقا مجدالدین محلاتی، چنین ویژگیهایی داشت:

شخصیت او در چند بعد مناعت و بزگرواری، صفا و راستی، علم و تقوا و فضیلت، روشنگری و اصلاح اندیشی، خدمتگزار و درد انسانی ظهور می‌کرد. او درست در دورانی که در حوزه علمیه قم تحصیل می‌کرد، از جمله کسانی بود که به اصطلاح جامع دو فرهنگ بود. از طرفی معارف عالی اسلامی و فرهنگ دینی را در حوزه از محضر بزرگانی همچون آیه الله بروجردی و علامه طباطبایی و دیگر بزرگان فرا می‌گرفت و از طرف دیگر در دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی، حقوق و اقتصاد تحصیل می‌کرد. هم‌کلاس و هم مسلک ایشان در این دوران، امام موسی‌صدر بود که توأمان فضیلت و آگاهی و اصلاح‌گری را با هم داشت.

اگر خصلت و ویژگیهای روشنفکر مسلمان، آگاهی و معرفت از دو حوزه معرفت اسلامی و علوم عصری باشد و جای دادن معارف دینی در جغرافیای علوم زمان، دقیقاً امام موسی‌صدر و آیه‌الله محلاتی دو نمونه بارز چنین اصلاح‌گرایی بودند که تحول زمان را کاملاً درک کرده و برحسب مقتضیات عصر، تحولات کیفی جامعه مسلمان را خواستار بودند.

هیات علمی و تحریری "مکتب اسلام"

مطبوعات و نشر مجله‌های علمی و تخصصی در ارتقای فرهنگی و تحول فکری جامعه نقش مؤثری دارند. آن روز که در خدمت مرحوم آیه‌الله بروجردی از طرح اندیشه یک مجله وزین علمی-اسلامی که بتواند سخنگوی فرهنگ دینی و زبان گویای حوزه علمی باشد، سخن می‌رفت، آیه‌الله محلاتی از چنین شخصیت‌هایی بود که در هیات تحریریه و نویسندگان دانشمند

آن ، عضویت ، بلکه یکی از بنیانگذاران آن بود.
انتشار مجله وزین "مکتب اسلام" نخستین بار بود که از
حوزه علمیه قم صورت می گرفت. امتیاز این مجله از آن
آیه الله شریعتمداری بود. عالمان بزرگی که امروز عده ای
از آنها از مراجع تقلید می باشند عهده دار نوشتن مقالات
آن مجله بودند. حضرات مکارم شیرازی ، موسوی اردبیلی ،
شیرازی زنجانی ، نوری همدانی ، استاد سبحانی ، استاد واعظ
زاده خراسانی ، امام موسی صدر و آیه الله محلاتی اعضای
هیات علمی و تحریری آنرا تشکیل می دادند و آیه الله
محلاتی در بحث "اقتصاد" می نوشت.

به بیان استاد محمدجواد حجتی ، نشر مجله های مکتب اسلام ،
مکتب تشیع ، اصول فلسفه علامه طباطبائی ، کتابهای مرحوم
راشد ، در پرورش اندیشه اسلامی و تربیت نسل نوحاسته
مسلمانان که بعدها در انقلاب اسلامی سهم موثری داشتند ،
از عوامل زیربنایی و فرهنگی جامعه آن روز بود و از همین
ر هگزر وقتی که آیه الله محلاتی به شیراز (زادگاه خود)
برگشت در مسجد ولی عصر (عج) همان خدمات فرهنگی و تحول
فرهنگی را در قشر جوان و تحصیل کرده دنبال نمود.
خدمات اجتماعی و فرهنگی

موقعیت اجتماعی و محبوبیت معنوی آیه الله محلاتی چنان بود
که او علاوه بر خدمات و آموزشهای دینی و تدریس فقه و
معارف اسلامی به کارها و خدمات اجتماعی نیز بپردازد:
عمدتترین خدمات اجتماعی که ایشان به همراه دیگر
مسلمانان خیراندیش و فضیلت دوست اقدام کرد عبارتند از:
۱- ایجاد و تشکیل صندوق قرض الحسنه "تعاون اسلامی" که

بهترین موسسه خیریه و تعاون اجتماعی در شیراز است.

۲- بنیاد خیریه مسجد ولی عصر (عج)

۳- کوی امام علی (ع)، محله بزرگی در منطقه غربی شیراز است
که خانواده های ایام و بی بضاعت سکونت می کنند. این
موسسه خانواده های بی بضاعت و ایام را اسکان داده و

برای آنها مدرسه و هزینه تحصیلی تامین می نماید.

۴- سرپرستی دبیرستان نمازی

۵- تاسیس درمانگاه ولی عصر (عج)

۶- مدرسه ولیعصر و کتابخانه معتبر

پاورقی:

۲- مقدمه "فلسفه روشن اندیشی"، ارست کاسیرر ، ترجمه نجف
دریابندری ، خوارزمی ، تهران ص ۱۹- و نیز: "فلسفه روشن
اندیشی"، لوسین گلدمن ، ص ۷۳ ، انتشارات فکر روز ، ترجمه
شیوا کاویانی

۳- "روشنفکری و روشنگری"، فرهنگ رجایی ، همشهری ، سال اول ،

شماره ۵۳۴ بهمن ماه ۱۳۷۰

۴- غرب زدگی ، جلال آل احمد ، ص ۹۴

۵- جامعه شناسی روشنفکری دینی ، محمدعلی زکریایی ، ص ۱۶ ،

نشر آذریون ، تهران ۱۳۷۸

۶- به نقل از "حسین بشیریه"، جامعه شناسی سیاسی ، ص ۲۷۵

۷- همان منبع ، ص ۱۸



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.